

امام رضایی‌ها

محسن ضیایی، مسؤول موبک سازمان اوقاف و امور خیریه در زاهدان است و موبک بزرگ امام رضا(ع) که با وسعت ۴۰۰ مترمربع گنجایش حدود ۳۰۰۰ نفر زائر در شبانه روز را دارد، زیر نظر همین سازمان فعالیت می‌کند. ضیایی به ما می‌گوید: «برخی از نیات موقوفات سازمان حج و اوقاف، نیات مذهبی است و پولی که به این بخش واریز می‌شود، در ایام ماه رمضان و ماه محرم و صفر و اربعین برای هیات‌های مذهبی و عزاداری‌ها و در حوزه اطعام و اسکان آنها هزینه می‌شود؛ به همین دلیل ما موبک‌هایی در نقاط مختلف کشور داریم از جمله در ایلام و شلمچه و چذابه و همچنین در مرز خسروی و داخل مرز عراق و سامرا و کاظمین و نجف و کربلا.

مهم‌ترین این موبک‌ها، اما موبک امام رضاست که از حدود ۱۵ سال پیش برای اسکان زائران کربلا و ارتحال امام خمینی، در مرز زاهدان میرجاوه احداث شد و سالیانی هم کم‌زائر یا بدون زائر بود، تا زمانی که ستاد مردمی خدمت‌رسانی به زوار خارجی در زاهدان تشکیل و زائرسرای امام رضا(ع) هم دوباره پرترد شد. زائرسرای امام رضا(ع) نه‌تنها هر شب ۳۰۰۰ نفر زائر را در خود اسکان می‌دهد، که آشپزخانه بزرگش غذای ۵۰۰۰ زائر که روزانه وارد زاهدان می‌شوند را هم تهیه و به موبک‌های سطح شهر توزیع می‌کند، آن هم با پولی که بخشی از آن متعلق به سازمان حج و اوقاف است و بخشی هم متعلق به خیرین استان و کشور.

ضیایی می‌گوید زوار پاکستانی که شمارشان در روز به صد دستگاه اتوبوس می‌رسد، به ایران که می‌رسند انگار وارد بهشت شده‌اند؛ حق هم دارند، آنها پس از ۱۴ روز تعطیلی و پیمودن ۷۰۰ کیلومتر راه و طی یک مسیر پرخطر و صعب‌العبر و در حالی که توسط ارتش پاکستان اسکورت می‌شوند، به ایران می‌رسند. و اینجا و با خدماتی که دریافت می‌کنند، از خدمات بهداشتی و درمانی و اسکان و تغذیه و فرهنگی و معنوی، جانی دوباره می‌گیرند. اینها را بختیاری، مسؤول ستاد مردمی زوار خارجی زاهدان هم تایید می‌کند و به ما می‌گوید مجموعه‌ای دور هم جمع شده‌اند با محور امام حسین(ع) که بین مردم و حاکمیت پیوند زده و پای کار آمده‌اند؛ مجموعه‌ای از خدام امام حسین(ع) از دهه‌های ۴۰ و ۵۰ تا دهه هفتادی‌ها. مجموعه‌ای که خدمت‌گذاری خوب و جانانه‌شان هر سال خارجی‌ها را دلپیسته‌تر به ایران و مردم ایران می‌کند تا جایی که از ورود ۲۰۰۰ نفری به ایران در سال ۹۲ رسیدند به ۱۴ هزار نفر و ۲۰ هزار نفر و ۴۵ و ۶۵ هزار نفر در سال‌های بعد و حالا هم ۸۰ هزار نفر. دلیل این استقبال بی نظیر را بختیاری، محرومیت زائران پاکستانی از انجام شعائر مذهبی در کشور خودشان می‌داند و می‌گوید آنها در پاکستان آزادی مذهبی ندارند، برای همین اینجا که می‌رسند، یعنی همین که پایشان به مرز و خاک ایران می‌رسد، اول بر زمین می‌افتند، این خاک پاک را می‌بوسند و شروع می‌کنند به سینه زنی و عزاداری، مواکب و حضور در مجالس پس از رفع خستگی که دیگر جای خودش را دارد.

پاکستانی‌هایی که عاشق می‌شوند

کربلای امروز زاهدان، دارد جاری می‌شود، در کل کشور و حتی کشورهای همسایه. این را یک زائر پاکستانی می‌گوید: این کار و خدمات شما دارد روی فرهنگ مردم پاکستان تاثیر می‌گذارد. پاکستانی‌ها از شما برگزاری مجالس فرهنگی و مذهبی و منبر و روضه و سینه زنی را یاد گرفته‌اند و به همین سیاق دارند در پاکستان عمل می‌کنند. مثلا در شهر تفتان و کویته ایستگاه‌های صلواتی زدند و ایام محرم و اربعین شور به پا می‌کنند.



ثبت جهانی پیاده‌روی اربعین منتظر چراغ سبز عراقی‌ها

عراق هنوز همکاری خود را برای ثبت جهانی پیرونده میراث ناملموس اربعین آغاز نکرده است تا ایران بتواند این پرونده را به صورت چند ملیتی به یونسکو ارسال کند. این را محمدحسن طالبیان، معاون میراث فرهنگی کشور به مهر می‌گوید و ادامه می‌دهد: عراق باید به ما در این باره جواب بدهد. تاکنون نتوانسته ایم

می‌گوید: «خسته نمی‌شوید از این همه زائر پذیرایی می‌کنید؟ اصلا چه احساسی دارید که شبانه روز در حال خدمتید و خم به ابرویتان نمی‌نشیند.» اینها را البته به زبان اردو می‌گوید و مُبلغ گروه که فارسی می‌داند برای مهدی ترجمه اش می‌کند و پاسخ مهدی یک جمله است: «ما افتخار می‌کنیم برای خدمت به زوار اابعاد...»

اشک در چشمان زائر جوان پاکستانی حلقه می‌زند و با گریه می‌پرسد مگر زائر نزد شما چه مقامی دارد و جواب می‌شود، اولین جایی که پروردگار در روز عرفه به آن نگاه می‌کند، مکه و عرفات نیست و کربلاست. خداوند اول به زائر امام حسین(ع) نگاه می‌کند بعد به حجاج خانه خودش، که امام حسین(ع) برای خدا عزیز است و زوارش هم و این است مقام زائر امام حسین(ع).

زائر جوان که خود را از مولتان (شرقی ترین نقطه پاکستان) به میرجاوه و زاهدان در غرب کشورش رسانده، حالا بی‌منبر و روضه می‌زند زیر گریه تا حال همه را منقلب کند؛ حال دو زائر پنجابی و لاهوری که یکی از آنها فقط یک دست دارد، اشک در چشمان مبلغی که از جامعه المصطفا آمده و در جمع شان نشسته هم حلقه می‌زند. حال مهدی هم که کلا بارانی است.

مثل این حلقه کوچک باصفا، اینجا زیاد است؛ اینجا در شرقی‌ترین نقطه کشورمان؛ جایی ۲۰۰۰ کیلومتر دورتر از کربلا.

ساعت از ۳ صبح گذشته، اینجا اما مثل روز روشن است، مثل آسمان پرستاره‌اش، اصلا مثل صحن و سرای خود حرم امام رضا(ع) اینجا زائرسرای امام رضاست در شرقی ترین نقطه کشورمان در ورودی شهر زاهدان، همانجا که زوار پاکستانی خوب می‌شناسندش؛ زواری که چند سالی است دل به دل اربعین اابعاد... داده‌اند و می‌داند بهترین مسیر رسیدن به سرزمین

پیاده‌روی اربعین، آغاز یک تحول

آنها که پایشان این روزها به زاهدان و مرز میرجاوه باز شده، می‌دانند که آنجا برای خودش کربلایی است؛ کربلایی که حال و هوای امروزش را مدیون چند نفر از فرزندان شهداست؛ مدیون امثال مهدی وظیفه دان که فرزند یکی از شهدای مرزبانی در سیستان و بلوچستان است و پنج شش نفر از رفقای هم استانی اش که آنها هم فرزندان شهدای مرزبانی یا دفاع مقدس هستند. مهدی وظیفه دان که مسؤول موبک و هماهنگ کننده خدمات از جمله حمل و نقل است در این باره به ما می‌گوید: چهار سال پیش وقتی به اتفاق دوستانم که همگی فرزند شهیدند درمسیر پیاده‌روی اربعین بودیم، در عراق چشممان به گروهی از زوار افتاد که پوششی شبیه پوشش خودمان (یعنی مردم سیستان و بلوچستان) داشتند و زبانشان متفاوت بود، کنج‌گوای کردیم و فهمیدیم زوار پاکستانی هستند که برای رسیدن به کربلا از خاک کشور خودمان عبور می‌کنند و از مرز میرجاوه در نزدیکی زاهدان می‌آیند. همان موقع تصمیم گرفتیم مثل عراقی‌ها بشویم خادم زوار خارجی امام حسین در استان خودمان.



همان موقع تصمیم گرفتیم مثل عراقی‌ها بشویم خادم زوار خارجی امام حسین در استان خودمان.

پاسخ روشنی بگیریم، چون باید این پرونده با همکاری و مشارکت آنها نوشته شود. درواقع ما می‌خواهیم این همدلی و مشارکت مردم را در جهان ثبت کنیم. از مراسم پیاده‌روی و برپایی موبک‌ها گرفته تا همه‌آیین‌های این پیاده‌روی معنوی. بخشی از این آیین در ایران است و بخشی هم در عراق، بنابراین عراق باید برای

موعد، بهشت میرجاوه و زاهدان است؛ جایی که می‌توان بار خستگی و گرسنگی و تشنگی ۱۴ روز سفر از عمق پاکستان را در زائرسراها و موبک‌هایش، یکجا بر زمین گذاشت و با حالی خوش و جسمی سرحال و قبراق دوباره طی‌طریق کرد تا کربلای ارباب. ساعت از ۳ صبح گذشته، اما اینجا زندگی مثل روز جاری است. سفره‌های غذا در یک طرف پهن می‌شود و در سمت دیگر جمع. جوانان مشکی پوش زاهدانی همچنان سرحال و پرانرژی درحال خدمت به زورند؛ آخرین کاروان زوار بر پنجشنبه، تازه امشب و این وقت شب از راه رسیده و زائران، مشغول شام خوردن و استحمام و استراحتند. مهدی و دوستانش اما وقتی برای استراحت ندارند. حالا خادم میانسالی که مسؤول موتورخانه و نظافت حمام موقت زائرسراست، مهدی را صدا می‌زند تا برای مخازن خالی شده حمام‌ها آب سفارش بدهد، اما به مهدی که می‌رسد، خودش را می‌اندازد در بغل این جوان ۲۵ ساله و گریه کنان می‌گوید مهدی جان برابم دعا کن. خادم ۱۷ ساله‌ای که مسؤول دود کردن اسپند است و کمی دورتر با دیدن این صحنه، خودش را به آن دو نفر و آغوش مهدی می‌رساند و با بغضی که حالا تریکیده و حق هقی که بند نمی‌آید، می‌گوید: «امشب خیلی‌ها در حرم آقا اابعاد... اند و ما اینجا بیم، هزاران کیلومتر دورتر و مهدی آرامشان می‌کند که: «شما هم در حرمد، اینجا هم حرم آقاست و شما هم خادمان زوارش، سیستان و بلوچستان حالا دروازه شرقی صحن آقا اابعاد...ست...» اینها را می‌گوید و دوباره هرسه نفر می‌زنند زیر گریه...

این حال خوش مهدی وظیفه‌دان و همه ۵۰۰۰ خادمی است که این روزها در شرق کشورمان؛ از نقطه صفر مرزی میرجاوه گرفته تا سطح شهر زاهدان و همه هشت موبک و تکایا و مساجد و حسینیه‌هایش درحال خدمت به زوار پاکستانی و هندی‌اند که از خاک کشورمان راهی کربلا می‌شوند. این حال خوشی است که این فرزندان ایران هم برای خادمان و شهروندان زاهدانی و هم زوار خارجی ایجاد کرده‌اند.

تکمیل این پرونده به کمک ما بایاد.

آذر ۹۴ مسعود سلطانی‌فر، رئیس سازمان میراث فرهنگی وقت از تلاش برای آماده‌سازی پرونده میراث معنوی (ناملموس) این مراسم و مسیر زیارتی در سطح ملی و جهانی به طور مشترک با کشور عراق خبر داده بود.

دروازه شرقی حرم امام حسین(ع)

روزانه ۱۰۰ دستگاه اتوبوس شامل چند هزار زائر پاکستانی از مرز میرجاوه به قصد زیارت اربعین وارد ایران می‌شوند



با سیب‌زمینی و ترشی شروع کردیم

در اربعین سال بعد، دیگر کسی مهدی و دوستانش را در عراق ندید، آنها مرز میرجاوه بودند، در یک ایستگاه صلواتی. یک ایستگاه صلواتی هم در زائرسرای امام رضا در زاهدان زدند. کلی تبلیغ کردند و توانستند خادمانی از دوستان و رفقا و بچه‌های بسیجی و هیات‌های مذهبی زاهدان جذب کنند تا با پولی که از خیرین جمع کرده بودند به زوار خسته پاکستانی که وارد ایران می‌شدند، آب و نانی برسانند؛ «با پولی که داشتیم فقط توانستیم ترشی و سیب‌زمینی پخته به زائران بدهیم، اطلاعیه هم دادیم هرکسی نذری دارد؛ مثلا آش یا عذسی ... و نذری‌اش را بیاورد لب مرز و زائرسرای امام رضا».

پیش از شروع فعالیت آنها فقط موبک امام رضا در زاهدان برقرار بود، اما از سال ۹۲ به بعد ستاد مردمی که توسط بچه‌های زاهدان ایجاد شد به کمک سازمان حج و اوقاف که متولی زائرسرای امام رضاست، خدمات رایگانش را از نقطه صفر مرزی تا سطح شهر زاهدان گسترش داد و فقط چند سال کافی بود تا به برکت نام امام حسین(ع)، ستاد مردمی آنها چند هزار نیروی خادم جذب کند، حجم خدمات به صدها ایستگاه صلواتی و هشت موبک شامل موبک امام رضا در ورودی شهر زاهدان و هفت موبک دیگر در مرز میرجاوه، پلیس راه زاهدان، و سطح شهر زاهدان برسد و مهم‌تر از همه تعداد زوار پاکستانی که تا سال ۹۲ تعدادشان از ۲۰۰۰ نفر تجاوز نمی‌کرد، امروز و تنها پس از پنج، شش سال به حدود ۸۰ هزار نفر برسد.



شرعی می‌نشینند که به زبان انگلیسی و اردو برایشان برگزار می‌شود.

اینجا همه خدماتی نیست که زوار خارجی در زاهدان دریافت می‌کنند، گازوئیل و سوخت رایگان، تعمیر خودرو در صورت نیاز و خدماتی چون



چه زواری! چه خادمانی!

به همان میزان که بر تعداد زوار پاکستانی سال به سال افزوده می‌شود بر تعداد افرادی که خود را خادمان این زوار می‌دانند هم سال به سال اضافه می‌شود؛ طوری که از یک گروه کوچک رافقتی در سال ۹۲ امسال به حدود ۵۰۰۰ نفر رسیده‌اند؛ ۵۰۰۰ نفری که در سایت تعبیه شده برای جذب خادمان توسط ستاد مردمی ایجاد شده است. قصه این خادمان هم عجیب است و دلنشین. مهدی نشان دکتر و استاد دانشگاهی را به ما می‌دهد که خود را به زاهدان و موبک امام رضا رسانده و بساطی در گوشه‌ای پهن کرده و کفش زوار را واکس می‌زند. یا خانم دکتر دندانپزشکی که امسال هم مثل سال‌های گذشته خود را به زاهدان رسانده و تاکید کرده حتی اگر جایی در یکی از شیفت‌های کاری پزشکی پیدا نکند، می‌رود در آشپزخانه موبک مشغول پوست کردن سیب‌زمینی می‌شود.

مهدی حتی نشان خادم کاسبی را به ما می‌دهد که در تاریکی هر شب کاملا ناشناس و گمنام، خود را به ده‌ها چشمه سرویس بهداشتی زائر سر می‌رساند و آنها را تمیز می‌کند و بی‌سروصدا به خانه‌اش می‌رود و این را فقط مهدی می‌داند که زیرچشمی او را زیر نظر دارد و خدای آنها. اینجا خادمان خانم هم کم نیستند؛ خادمانی که برخی شان همسران و مادران و فرزندان شهدا هستند و در بخش خواران موبک امام رضا ایستگاه صلواتی زده‌اند و هر کاری از دستشان برآید برای زوار اابعاد... انجام می‌دهند.